

مطالعه و بررسی فضای ورودی شهرهای ایران

هاتفه سعدونی^۱^۱ کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه امام رضا مشهد (hatefeh_sadooni1990@yahoo.com)

چکیده

در گذشته از جمله مهمترین فضاهای با هویت شهری در کشور ما ورودی شهرها بوده است که امروزه با توجه به گسترش شهرها و روند روبه رشد شهرنشینی و همچنین ارائه ی طرح های یکنواخت و نامناسب شهری، ورودی اکثر شهرها به خصوص شهرهای متوسط و کوچک برنامه ریزی مشخص و ویژه ای ندارند و از کارکرد اصلی خود باز مانده اند. ورودی ها اولین نقطه از شهر هستند که مسافران با آن برخورد دارند و عمده تصویر اولیه از شهر و نخستین نشانه از شهر در ذهن مسافران توسط ورودی ها شکل می گیرد. علی رغم اهمیتی که مبادی ورودی در هویت بخشی کل فضای شهری به عهده دارند بسیاری از شهرها از جمله شهر بزرگ ایران از این حیث دارای ضعف ها و کاستی های متعددی می باشند. عدم توجه به جانمایی کاربری ها و ناسازگاری کاربری، آلودگی محیطی و بصری، بی توجهی به هویت و فرهنگ شهر و طراحی یکنواخت در ایجاد ورودی شهرها از جمله مشکلات ورودی شهرها می باشد.

بنابراین در این پژوهش در جهت افزایش کارایی ورودی شهرها، معیارهای کیفیت در فضاهایی که دارای پتانسیل ایجاد فضاهای واسط در ورودی شهرهای ایران را دارند می باشند.

واژگان کلیدی: ورودی، طراحی شهری، فضا سازی

مقدمه

منظر یک شهر، مجموعه ای از عوامل طبیعی و مصنوعی است که تحت تاثیر ویژگی های خاص طبیعی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن شهر شکل گرفته و عرصه ی به عینیت در آمدن ویژگی های خاص آن شهر است از جمله فضاهای تاثیرگذار در ارتقای منظرشهری فضاهای ورودی شهرها است. در گذشته های نه چندان دور نخستین تصویری که از هر شهر در ذهن مسافرن نقش می بست، ورودی آن بود که حدومرز شهرها نیز، توسط دروازه ها مشخص می شد. مبادی ورودی شهرها، از کیفیت بالایی برخوردار بود و جزء عناصر شاخص و باهویت واز ویژگی های بارز هر شهر به حساب می آمد. امروزه با گسترش و توسعه شهرها، مبادی ورودی ها و دروازه های آن به مسیر سریع السیر برای تردد وسایل نقلیه موتوری تبدیل شده است و زمین های مجاور آن ها نیز به کاربری های مزاحم و ناسازگار با محیط اختصاص یافته است که بی نظمی و اغتشاش بصری این فضاها را تشدید می کند. شهرها به شکل نسنجیده ای گسترش یافتند و در این میان، مفهوم ورود به شهر، در شهرهای پدید آمده به مفهومی

ناشناخته (فراموش شده) تغییر یافت. بافت ورود به شهر را پیکره های ساختمانی که تنها زاینده ی یک نیاز کارکردی هستند می ساختند و مفهوم گشودگی و متغییر بودن شهر به اشتباه ترین شکل، مجسم شد و لبه های ناآشکاری به شهر بخشید که هیچ جای آن تفاوتی را که نشان دهنده ورود به محیط تازه ای باشد، در خود نداشت. در واقع بافت میانی (مفصل نرمی) که تغییر محیط از بیرون شهر به درون آن را در سلسله مراتبی به نظم در می آورد جای خود را به چیزی نداد. بدین ترتیب امروزه فضای ورودی بسیاری از شهرهای کشور با افت شدید کیفیت کارکردی و کالبدی روبروست و این امر میتواند باعث آسیب زدن جدی به سیما و هویت شهرها باشد.

طرح مساله پژوهش

شهرها به شکل نسنجیده ای گسترش یافتند و در این میان مفهوم ورود به شهر در شهرهای نوظهور، مفهومی ناشناخته ماند. بافت ورودی شهرها را، پیکره های ساختمانی زشتی می ساختند که تنها زاینده ی یک نیاز کارکردی بود و مفهوم گشودگی و متغییر بودن شهر به اشتباه ترین شکل، مجسم شد و لبه های ناآشکاری به شهر بخشید که هیچ جای آن تفاوتی را که نشان دهنده ورود به محیط تازه ای باشد، در خود نداشت. برهم خوردن تسلسل مراتب در نظام کالبدی شهرها سبب شده تا ورودی شهر که یکی از حلقه های این تسلسل است، دچار ابهام و بی هویتی شود و در واقع جایگاه آن به عنوان عنصری مهم در تعریف شهر، و نقطه اتصال شهر به پیرامون فراموش شود. در گذشته های نه چندان دور ورودی شهرها، واجد پهنه هایی بود که فرد با مشاهده ی نمود کالبدی آن در قالب دروازه که خود اشاراتی بر هویت و شخصیت آن شهر داشت و با دریافت خدماتی از قبیل استراحت و اتراق اولیه در کاروانسراها، نعل بندی و تهیه خوراک کافی برای دام خود و ... آستانه و حد ورود به شهر را درک می نمود. تعریف خدمات و فضاهای کافی در ورودی هر شهر و دروازه هایی منحصر به فرد با ساخت و بافتی کاملا بومی، ورودی آن شهر را در تصویر ذهنی مسافرن نهادینه نموده و تشخیص خاصی به شهر می بخشیده است. امروزه ورود به شهر معمولاً با عملکردهایی همچون خدمات اتومبیل، غذاخوری های نامطلوب و ناخوشایند، سکونتگاه هایی که نمی توان به آنها خانه گفت، چند اداره دولتی مانند بانک و ... در دو سوی جاده، نمودار می شود. مبادی ورودی شهرها در حال حاضر، با کارکرد و عملکرد مورد انتظار و اصیل خود فاصله بسیار دارند. ورودی کنونی شهرهای امروز فاقد تشخیص و حد